**مقدمه**

در نظام حقوقی و رویّه‌ی قضایی کشور جمهوری اسلامی ایران، مسائل نوظهوری به ‌وجود آمده است که علم حقوق در تمامی شاخه‌ها و گرایش‌های آن تاکنون چاره‌ای علمی، متقن و قابل اجرا برای آن‌ها نیندیشیده است. در این کتاب، آسیب شناسی برخی از مسائل جدید در حوزه‌های مختلف حقوقی با رویکرد مطالعات فرا‌رشتهای در هفت فصل مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است که ضمن بررسی ایرادات موجود در سیستم قانونگذاری و رویّه‌ی قضایی، به چالش‌های ایجاد شده در اجراء تمرکز نموده و یک راهکار جامع در قالب «نظریّه‌ی بهنیایی؛ تحلیل فرا کل‌نگر حقوق» ارائه خواهد شد.

«الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوالالباب».[[1]](#footnote-1) همان کسانی که قول ]نیک و حق[ را می شنوند و آن‌گاه از بهترین آن پیروی می‌کنند؛ اینان‌اند که خداوند هدایتشان کرده است و اینانند کهخردمندان‌اند . از این آیه وجوب نظر و استدلال بر می‌آید؛ زیرا تمییز نهادن بین احسن و اصوب از غیر آن، با حجت «عقل» معلوم می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که هر نظام حقوقی با آن مواجه است، مسئله‌ی عدالت و نقش قاضی در تحقّق آن است؛ زیرا همواره در قضاوت کردن چیزی از قضاوت شدن هست. همچنین، به علت فقرِ ذاتی حقوق و نیازمندی آن به دستاوردهای جدید سایر علوم از جمله نورولوژی و علوم شناختی، عدم قطعیّت در فهم و تفسیر متون حقوقی و همچنین نسبیّت قضاوت، داوری و استدلالِ حقوق‌دانان و قضّات، همواره از قطعیّت، عینیت و دقّت کافی در علم حقوق فاصله‌ی قابل توجّهی داشته‌ایم و قادر به وضع و اجرای دقیق قوانین و حصول عدالت حقیقی نبوده‌ایم؛ لذا عدالت به همان اندازه که تحقّق یافته، صورت نپذیرفته است. «نظریّه‌ی‌ بهنیـایی[[2]](#footnote-2)؛ تحلیل فراکل‌نگر حقوق» با نگرشِ کل‌گرایانه و به دور از تعصب‌های سنتّی این علم، به دنبال بهره‌مندی عالمانه از یافته‌های سایر علوم جدید و علمی‌تر کردن آن، جامعیّت و ارتقای ترازهای حقوقی به صورت وحدتی اندام‌وار و فراگردی به سوی آگاهی بر ماهیّت خویشتن برای رسیدن به حقیقت است.

* از این‌رو، در بخش نخست کتاب به تبیین بنیادها و بایسته‌های «نظریّه‌ی‌ بهنیـایی؛ تحلیل فرا کل‌نگر حقوق» پرداخته می شود و در بخش دوم آن طرح پیشنهادی ایجاد «پایگاه ملّی داده‌های عصب‌شناختی و فرهنگ جامع حقوقی و قضایی مغز کشور جمهوری اسلامی ایران» به عنوان یکی از کاربردهای نوین و پیشرفته‌ی این نظریّه‌ ارائه خواهد شد. در فصول بعدی جهت تبیین نمونه‌های دیگری از کاربردهای این تئوری در نظام حقوقی ایران موضوعات مبتلابه کلانی در حوزه‌های گوناگون مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است.
* «بازار سرمایه» می‌بایست مبتنی بر زیرساخت‌های قانونی، نظارتی و اجرایی قابل اعتمادی باشد که بتواند بصورت شفاف و ایمن، انتقال مالکیت اوراق بهادار را امکان‌پذیر سازد. لذا قصور در وضع قوانین و مقررات متعادلِ حاکم بر معاملات بورسی سرمایه‌گذاران خارجی می تواند با جوهره و طبیعت بازار اوراق بهادار در تناقض باشد و این ناامنی حقوقی و اقتصادی، مانع رشد بازار سرمایه و تخصیص بهتر منابع مالی شود و در نهایت، تأمین منافع جمعی و کارایی اقتصادی معقول و مطلوبِ این بازار را دست‌نیافتنی نماید. بنابراین اجرای قاعده‌ی عدالت و اصل برابری در دسترسی عادلانه به بازار سرمایه؛ اصل حمایت از حقوق و منافع سرمایه‌گذاران؛ لزوم حمایت از طرف ضعیف‌تر؛ اصل حفظ کلیّت و انسجام بازار و اصل کارایی بازار اوراق بهادار، اقتضای بازنگری کلّی و تجهیز قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی در بازار بورس اوراق بهادار ایران را دارد. از این‌رو فصل دوم کتاب «تحلیل حقوقیِ راهبردهای سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه‌ی ایران» با توجه به مبانی کاربردی علوم شناختی و روانشناسی، علوم مدیریت و اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، بر مبنای «نظریّه‌ بهنیـایی؛ تحلیل فراکل‌نگر حقوق» ارائه می‌شود.
* در دنیای امروز، قراردادها مبنای خلق بزرگترین آثار انسان و شرکت ها و منشاء پیشرفت و توزیع ثروت جوامع محسوب می‌شوند. قراردادهای «ای پی سی» امروزه به طور گسترده در پروژه‌های زیربنایی و بین المللی و بخصوص در بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی، نیروگاهی، سد سازی، فولاد و مخابرات مورد استفاده قرار می‌گیرند که غالباً توسط بانک جهانی و بانک توسعه‌ی آسیا تأمین مالی میشوند. قرارداد پیمانکاریِ کارا و متعادل، می‌تواند مسئولیت عیب یا اشتباه در الزامات کارفرما و یا مراحل مختلف پروژه را دقیقاً به هر یک از عوامل پیمان تخصیص دهد. «تعهد به تناسب با اهداف پروژه» در قراردادهای پیمانکاریِ مدل «ای پی سی» فیدیک، مسئولیتی بیشتر از «تعهد به نتیجه» برای پیمانکاران در بر دارد. در این مدل قراردادی اکثر ریسک‌های پروژه، از قبیل ریسک شرایط غیر قابل پیش بینی، ریسک حرکت نکردن در مرزهای دانش و حتّی ریسک اشتباهات کارفرما به پیمانکار تخصیص یافته است؛ به طوری که کتاب نقره‌ای فیدیک، پیمانکار را بیمه‌گرِ جوانب فنّی و اجرایی طراحی کارفرما معرفی می‌کند. مقرّرات قراردادهای «ای پی سی» ایران با فیدیک دارای تفاوت‌هایی است که در این فصل، آثار آن در باب مسئولیت متقابلِ پیمانکاران و کارفرما در پرتو تطبیق با رویکرد کامن لا، مورد بررسی و تدقیق قرار خواهد گرفت.

از این‎جهت بخش سوم کتاب «تحلیل تطبیقیِ مسئولیت عوامل پیمان در قراردادهای پیمانکاری مدل EPC/Turnkey » با توجه به تجارب بین‌المللی در علوم مهندسی و ساخت، مدیریت اجرایی و مدیریت پروژه بر مبنای «نظریّه‌ بهنیـایی؛ تحلیل فراکل‌نگر حقوق» مطرح خواهد شد.

* سکوت قانون در خصوص ماهیّت و وضعیت حقوقی انتقال عضو از انسان زنده، به یکی از مسائل پیچیده‌ی مورد ابتلای جامعه، فقها و حقوق‌دانان مبدّل شده است. طبق گزارش اتحادیه‌ی اروپا 40000 نفر در نوبت پیوند عضو هستند و روزانه 10 نفر از آن‌ها فوت می‌شوند و طبق آمار اعلام نشده‌ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکیِ ایران، تقریباً هر دو ساعت یک بیمار نیازمند به پیوند، جان خود را از دست می‌دهد. با این همه ، با وجود گذشت حدود دو دهه از تصویب قانون[[3]](#footnote-3)، «مرگ مغزی» به عنوان یک منبع اصلی اعضای پیوندی، هنوز مقبولیت عام نیافته است و در نتیجه پیوند عضو از دهندگان زنده، بخصوص دهنده‌ی غیرخویشاوند ضرورت پیدا کرده است.

در بخش چهارم با یاری خواستن از یافته‌های علوم پزشکی و پیوند، علم اخلاق کاربردی و علوم فقهی با رویکرد «نظریّه‌ بهنیـایی؛ تحلیل فراکل‌نگر حقوق» به موضوع «تحلیل فقهی‌حقوقی قراردادهای مبادله‌ی عضو از انسان زنده» پرداخته می‌شود. در این فصل اثبات خواهیم کرد که انگاره‌ی «معاملات اعضای بدن انسان زنده» به اندازه‌ی اقناع و کفایت، با تجهیز به ادلّه‌ی متعدّد فقهی، دارای دلیل است. بنابراین، شایسته است که مقنّن با وضع و اجرای قوانینِ جامع، بدون ابهام، کارآمد و با توجّه به مواردی از قبیل پیوند از دهنده‌ی زنده‌ی غیرخویشاوند، معاملات، مبادلات و توریسم اعضاء، با استفاده از نظرات فقها، حقوق‌دانان، پزشکان قانونی و سایر متخصصان حوزه‌های علمی مرتبط، ابهامات و نگرانی‌های جامعه‌ی پزشکی در استناد به پشتوانه‌ی قانونی را مرتفع نماید تا به نابسامانی آیین نامه‌ها و بخش‌نامه‌های متفرقه، متعارض و مبهمی که غالباً با مبانی فقهی و حقوقی در تضاد هستند و در دو دهه‌ی اخیر صادر شده و دارای کمترین ضمانت اجراهای قانونی نمی باشند، اقدام نماید و به کاستی‌های نظام حقوقی ایران در این حوزه خاتمه دهد.

* با عنایت به این‌که اقتصاد آینده، اقتصاد شبکه محور خواهد بود، یکی از اقدامات اساسی در ایران که زمینه را برای فعالیت فعالان اقتصادیِ صنعت نفت و گاز در محیط تجارت الکترونیکی در جهت افزایش بهره­وری فراهم می‌کند، تصویب «قانون تجارت الکترونیک» است. لذا در صورتی‌که پشتیبانی به گونه‌ای قانونمند و مناسب برای مصرف‌کننده و تولیدکننده وجود داشته باشد، طرفین معامله قادر خواهند بود ریسک‌های جدّی را جهت ورود به فضای تجارت الکترونیکی بپذیرند. از این‌رو تصویب آیین‌نامه‌های مزبور و توسعه‌ی زیرساخت‌های حقوقی تجارت الکترونیکی می‌تواند در ایجاد اطمینان و امنیت برای بکارگیری تجارت الکترونیکی از جانب مصرف ‌کنندگان و تولید‌کنندگان نقش بسزایی داشته باشد. همچنین، صنايع نفت، گاز و پتروشيمي برای عرضه‌ی به موقع كالا اهميت فوق‌العاده‌اي قائل است؛ از این‌رو نوآوری در فعالیت‌های تجارت الكترونيكي، مانند خريد و فروش و بازار بورس الكترونيكي انرژی، مي‌تواند خدمات مناسبي براي برخی نيازمندي‌هاي اين مبحث ارائه دهد. به هر‌ حال، حضور رقابتی و جهانی صنعت نفت و گاز ایران، زمانی میسّر خواهد بود که موانع استقرار و پیاده سازی این نوآوری‌ها برداشته شده، راهکارهای گسترش و توسعه‌ی هرچه بیشتر این صنعت به طور کامل مدّنظر قرار گیرد.

بخش پنجم کتاب به موضوع «تحلیل حقوقی- اقتصادی اثربخشیِ زیرساختاری در فرایند اجرا و توسعه‌ی تجارت الکترونیکی در صنعت نفت و گاز کشور» می‌پردازد. بهره برداری از یافته‌ها و دانش عملیاتی در علوم مهندسی ارتباطات و کامپیوتر و نیز علوم مدیریت بازرگانی و بازاریابی بین‌المللی، مدیریت دانش، مدیریت منابع انسانی، مهندسی صنایع و علم اقتصاد انرژی با رویکرد «نظریّه‌ی‌ بهنیـایی؛ تحلیل فراکل‌نگر حقوق» و (طبق تحلیل‌ها و استدلال‌های انجام شده در این پژوهش، بکارگیری تجارت الکترونیک در صنعت نفت وگاز موجب ارتقاء شایستگی های مبتنی بر اینترنت، کارایی اقتصادی و بهینه سازی فرایند صادراتی خواهد شد.

* حکمرانی بهینه با رویکرد تأمین امنیتِ بلند مدت انرژی و ملاحظات زیست محیطی جهت برقراری تعادل و توازن میان منافع اقتصادی پروژه‌ها و دغدغه‌های زیست محیطی نیاز به تعامل و سازگاری دارند. به علت ماهیت فراملّی مخاطرات زیست محیطیِ قراردادهای صنعت نفت و گاز، مسئولیّت پیمانکاران و شرکت‌های فراملّی، باید توسط نظام مسئولیّت اجتماعی، استانداردهای صنعتی و زیست محیطی بین المللی نظارت شود. همچنین سیاست‌گذاران حوزه‌ی امنیت انرژی می‌بایست مخاطرات زیست محیطی پروژه‌های مرتبط با انرژی را به عنوان جدیدترین بعد امنیت انرژی مورد ارزیابی و کنترل قرار دهند. از طرفی، مسئولیّت اجتماعی و شهروندی جهانیِ شرکت‌ها در چند دهه‌ی اخیر به موضوع غالب و مسلّط حوزه‌ی حقوقی و مدیریت شرکت‌ها تبدیل شده است و شرکت‌های نفتی معتبر جهانی، مسئولیّت در برابر اجتماع و لزوم همکاری با هنجارها و ارزش‌های کشور میزبان را جزئی از استراتژی‌های کلان خودمی‌بینند . مسئولیّت اجتماعی شرکت‌ها در روند تکامل و جهانی شدن به سمت حقوقِ الزام‌آور در حال حرکت است؛ به طوری که انتظار می‌رود در آینده‌ی نزدیک بسیاری از ززمینه‌های دیگر را تحت نظارت خود قرار دهد و حتّی معاهدات بین‌المللی بیشتری در این حوزه تدوین شود.

در بخش ششم، موضوع «الزامات حقوقی امنیت انرژی با تأکید بر مخاطرات زیست محیطی در صنعت نفت و گاز» مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای حصول نتیجه‌ی مطلوب در این پژوهش بر مبنای «نظریّه‌ی‌ بهنیـایی؛ تحلیل فراکل‌نگر حقوق» به ن بهره‌مندی از یافته‌ها، نظریّات و اصول کاربردی علم بیو‌فیزیک و علم مهندسی شیمی، علوم اجتماعی و بوم شناسی، علوم حسابداری و روانشناسی، علوم سیاسی، علم روابط بین‌الملل و... نیازمند هستیم.

* در فرایند تفسیر قراردادی، مقوله‌های درون متنی و همچنین مؤلفه‌های برون متنی، مورد نیازند تا قصد طرفین قرارداد که در دل ابعاد معنایی و شرایط ایجاد متن مندرج است، از طریق قرائت‌های متکثّر، معلوم و مشخص شود. در حقوق قراردادهای بین‌المللی و همچنین حقوق ایران، اصل بر پیروی از اراده‌ی طرفین و ضرورت نداشتن اعلام و ابلاغ آن در قالبی خاص، جهت تفسیر قرارداداست . این فصل به تبیین مهم‌ترین اصول حاکم بر تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی و شیوه‌ی تطبیق و ورود این اصول در نظام حقوقی ایران به منظور رفع ابهامات قراردادی و احراز قصد مشترک طرفین قراردادمی‌پردازد .

در نهایت در بخش هفتم به «مطالعه‌ی تطبیقی اصـول تفسیـر قراردادهای تجـاری بین المللی» می‌پردازیم که در این مبحث علم حقوق به همکاری و بهره‌مندی اساسی ازHermeneutics, Neuroscience, Cognitive Sciences نیازمند و وابسته است.

1. سوره ی مبارکه زمر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-1)
2. این اثر تحت شماره ی 587-97 در تاریخ 12/3/1397 در دفتر حقوقی و امور مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ثبت و در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران به شماره ی 21340 مورخ 30/3/1397 منتشر شده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. ماده واحده‌ی «پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلّم است» مصوّب 1379. [↑](#footnote-ref-3)